گزارش خبری

گواهی سپرده خودرویی؛ حذف واسطه‌ها و جذب سرمایه‌های خرد

گواهی سپرده ابزاری مالی است که به سرمایه‌گذاران امکان می‌دهد بدون خرید فیزیکی کالا، در بازار بورس کالا سرمایه‌گذاری کنند. این گواهی تأیید می‌کند دارنده آن مالک مقدار مشخصی از یک کالاست که در انبارهای معتبر نگهداری می‌شود. اطلاعاتی مانند نوع، مقدار، کیفیت و محل نگهداری کالا در این سند درج شده و معاملات آن به‌صورت شفاف در بورس انجام می‌شود. این سازوکار ابتدا در حوزه‌هایی مانند محصولات کشاورزی، فلزات گرانبها و کامودیتی‌ها به کار گرفته شد و اکنون با معرفی گواهی سپرده خودرو وارد مرحله‌ای جدید شده است. مزیت اصلی آن کاهش هزینه‌های نگهداری، افزایش نقدشوندگی و حذف نیاز به مدیریت فیزیکی کالا توسط سرمایه‌گذار است. کالا در انبار رسمی ذخیره می‌شود و گواهی در اختیار سرمایه‌گذار قرار می‌گیرد تا بتواند آن را در بازار معامله کند.

آغاز گواهی سپرده خودرو در بورس کالا

راه‌اندازی گواهی سپرده خودرو در بورس کالای ایران، امکانی نوآورانه ایجاد کرده که سرمایه‌گذاران می‌توانند بدون پرداخت کل مبلغ خودرو، بخشی از آن را خریداری کنند. این شیوه به‌جای قرعه‌کشی‌های سنتی یا حضور فیزیکی در بازار، به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد با خرید سهمی از خودرو، در معاملات شرکت کنند. قیمت‌گذاری در این بازار براساس مکانیسم عرضه و تقاضا انجام می‌شود و از تأثیر واسطه‌ها و قیمت‌گذاری‌های غیررسمی جلوگیری می‌کند. همچنین معافیت از هزینه انبارداری تا سقف مشخص و امکان تحویل فیزیکی، جذابیت این ابزار را برای سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان افزایش داده است.

مزایا و کارکردها

«شفافیت قیمت»، «افزایش نقدشوندگی»، «کاهش هزینه‌های نگهداری» و «حمایت از تولیدکننده» از مزایای استفاده از گواهی سپرده خودرویی است؛ چراکه تعیین قیمت براساس عرضه و تقاضا، از دلالی و ایجاد بازار منصفان جلوگیری می‌کند و همچنین امکان خرید و فروش گواهی‌ها در بورس و تغییر سریع موقعیت معاملاتی فراهم می‌شود، مسئولیت انبارداری و بیمه خودرو بر عهده انباردار است و بستر پیش‌فروش ایمن‌تر و جذب سرمایه‌های خرد فراهم می‌شود.

ابزاری نوین برای تأمین مالی و شفافیت بازار خودرو

کارشناسان بازار سرمایه بر این باورند که عرضه خودرو با گواهی سپرده کالا، گامی نو و استراتژیک در مسیر اصلاح ساختار صنعت خودرو و ارتقای شفافیت بازار است. این ابزار مالی که پیش‌تر در کالاهایی همچون سیمان و زعفران تجربه شده، اکنون به عنوان راهکاری جدید برای کاهش بحران‌های مالی و حل مشکلات ساختاری خودروسازان در دستور کار قرار گرفته است. تفاوت مهم این روش با سایر شیوه‌های عرضه در آن است که برای نخستین بار در جهان، خودروی تولیدی با استفاده از گواهی سپرده در بورس کالا قابل معامله می‌شود؛ اقدامی که می‌تواند الگویی تازه در حوزه تأمین مالی صنایع باشد. براساس دیدگاه تحلیلگران، یکی از مهم‌ترین مزایای این ابزار، شفافیت در فرایند قیمت‌گذاری است. سال‌هاست که قیمت‌گذاری دستوری، خودروسازان را با زیان انباشته سنگین و بحران نقدینگی روبه‌رو کرده است. گواهی سپرده خودرو این امکان را فراهم می‌کند که قیمت بر مبنای عرضه و تقاضای واقعی بازار تعیین شود، نه براساس تصمیم‌های اداری و دستوری. این امر نه‌تنها به واقعی‌شدن قیمت‌ها می‌انجامد، بلکه به تدریج زمینه حذف حواشی و اختلاف‌نظرهای مدیریتی در حوزه قیمت‌گذاری را فراهم می‌کند.

مزایای عملیاتی برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان

از منظر تولیدکنندگان، انتشار گواهی سپرده خودرو یک فرصت کم‌نظیر برای جذب سرمایه‌های خرد و کلان به صنعت است. با فروش این گواهی‌ها، منابع مالی پیش از تحویل خودرو تأمین شده و جریان نقدینگی در کارخانه‌ها تسهیل می‌شود. این اتفاق به تولیدکنندگان امکان می‌دهد تا برنامه‌ریزی دقیق‌تری در خطوط تولید داشته باشند، سفارش‌ها را بدون تأخیر تحویل دهند و حتی ظرفیت تولید را افزایش دهند. برای مصرف‌کنندگان نیز این ابزار مزایای قابل‌توجهی به همراه دارد. مشتریان به جای انتظار طولانی برای ثبت‌نام یا قرعه‌کشی، می‌توانند با خرید گواهی سپرده، مالکیت یک خودرو مشخص را به دست آورند. این روش، امنیت و اطمینان خاطر بیشتری برای خریدار ایجاد می‌کند؛ زیرا تحویل خودرو به زمان و شرایط عرضه در بورس وابسته است و نه به فرایندهای غیرشفاف پیشین. علاوه بر این، نقدشوندگی بالای این گواهی‌ها به خریدار اجازه می‌دهد که در صورت نیاز، گواهی خود را پیش از دریافت خودرو به فروش برساند.

تقویت زنجیره تأمین و توسعه بازار سرمایه

تحلیلگران تأکید می‌کنند که گواهی سپرده خودرو تنها به خودروسازان محدود نمی‌شود و آثار مثبت آن به صنعت قطعه‌سازی و کل زنجیره تأمین نیز سرایت خواهد کرد. یکی از چالش‌های مزمن قطعه‌سازان، تأخیر در دریافت مطالبات از خودروسازان بوده است. با اجرای این سازوکار، منابع مالی به‌موقع به خودروساز تزریق می‌شود و در نتیجه، پرداخت بدهی به قطعه‌سازان نیز سرعت می‌گیرد. این امر موجب پایداری تولید و بهبود کیفیت محصولات خواهد شد. از سوی دیگر، عرضه گواهی سپرده خودرو یک فرصت برای بازار سرمایه است تا به عنوان موتور محرک صنایع عمل کند. ورود سرمایه‌های حقیقی به نمادهای خودرویی، تقویت نقدشوندگی و افزایش عمق بازار ازجمله پیامدهای مثبت این اقدام خواهد بود. کارشناسان بر این باورند که در صورت موفقیت اولیه، این ابزار می‌تواند به الگویی برای سایر صنایع تبدیل شود و زمینه نوآوری‌های مشابه در تأمین مالی را فراهم آورد. در نهایت اینکه با توجه به شرایط فعلی صنعت خودرو که ترکیبی از چالش‌های مالی، زیان انباشته و قیمت‌گذاری دستوری است، استفاده از ابزار نوینی مانند گواهی سپرده خودرو می‌تواند به عنوان یک راهکار پایدار و مثبت تلقی شود. این روش ضمن شفاف‌سازی قیمت‌ها، تأمین مالی را تسهیل می‌کند، سطح تولید را ارتقا می‌دهد و اعتماد میان تولیدکننده، مصرف‌کننده و سرمایه‌گذار را تقویت می‌کند. تجربه سایر کالاها نشان داده که چنین ابزارهایی می‌توانند ساختار بازار را منظم‌تر و کارآمدتر کنند؛ بنابراین، ادامه و توسعه این مسیر می‌تواند به تحولی اساسی در صنعت خودرو بینجامد.

آینده گواهی سپرده خودرو

در صورت بهبود زیرساخت‌ها، همکاری نهادهای ناظر و فعالان بازار و استانداردسازی دقیق مدل‌ها، گواهی سپرده خودرو می‌تواند به الگویی موفق برای آزادسازی قیمت، جذب نقدینگی مولد و کاهش واسطه‌گری در بازار خودرو تبدیل شود. این همان مسیری است که بورس‌های معتبر جهان پیش‌تر پیموده‌اند و اکنون ایران نیز با این ابزار، گامی به سمت بازاری شفاف‌تر و مدرن‌تر برمی‌دارد.

عکس: علی حسن پور، شفاآنلاین

«شرق» از تبعات زیان‌بار فرار دولت از وظیفه تأمین زیرساخت آب و برق صنایع و شهروندان گزارش می‌دهد

خودتان نیروگاه بزنید و مخزن بخرید!

مهفام سلیمان‌بیگی: دولت از ماجرای ناترازی انرژی و آب شانه خالی کرده است. این ماجرا از سال ۱۴۰۰ شروع شد و براساس آن صنایع بزرگ موظف شدند با احداث نیروگاه و تصفیه‌خانه در کارخانه، آب و برق مورد نیاز خود را تأمین کنند و حتی هزینه سنگین طرح‌های غیرکارشناسی مانند انتقال آب از دریا به کارخانه را بپردازند. ماجرا به همین‌جا ختم نشد و دولت هم‌اکنون به صورت رسمی به صنایع تازه‌تأسیس اعلام می‌کند که هیچ تعهدی در قبال تأمین آب و برق مورد نیاز آنها ندارد. گذشته از این، حالا دولت همین الگو را به خانه شهروندان کشانده است و نه‌تنها از نصب نیروگاه‌های خورشیدی پشت‌بامی می‌گوید، بلکه تأمین آب شرب شهروندان را منوط به خرید پمپ و مخازن آب دانسته است. ناتوان‌ماندن دولت از تأمین زیرساخت‌های اساسی، به گفته اقتصاددانان مدلی است که از آن به عنوان دولت ازکارافتاده یاد می‌شود و تبعات زیادی برای اقتصاد کشور دارد.

شروع ماجرا از کارخانجات بزرگ

شروع این ماجرا از صنایع شروع شد و احداث نیروگاه توسط صنایع بزرگ با هدف رفع ناترازی انرژی از سال ۱۴۰۰ به‌طور جدی مطرح شد و دولت وقت این موضوع را در دستور کار خود قرار داد. براساس این طرح، صنایع بزرگ مجوز گرفتند برای تأمین برق مورد نیاز خود نیروگاه احداث کنند و از آنجا که ذخیره‌سازی برق، بسیار پرهزینه بوده و از توان مالی صنایع کشور خارج بود، بنا شد کارخانجات بزرگ، برق مازاد تولیدی خود را به دولت بفروشند. ماجرا به همین‌جا ختم نشد و دولت برنامه مشابهی برای تأمین آب صنایع اجرا کرد و به صنایع مجوز داد که برای تأمین آب مورد نیاز خود، طرح‌های پرهزینه و گاه غیرکارشناسی مانند انتقال آب از دریا را اجرا کنند و خود هزینه اجرای این طرح‌ها را بپردازند. همچنین دولت به جای اجرای شبکه تصفیه فاضلاب شهری، توپ را به زمین صنایع انداخت و آنها را موظف کرد که برای تأمین آب مورد نیاز خود، حوضچه‌های تصفیه آب راه‌اندازی کرده و با فروش فاضلاب شهری به صنایع، کارخانجات را وارد پروسه تصفیه فاضلاب شهری کرد. این قصه اما سر دراز داشت و کار به جایی رسید که بنا بر گفته رضا شهرستانی، عضو هیئت‌مدیره انجمن فولاد ایران، دولت هم‌اکنون از صنایع تازه‌تأسیس تعهدنامه‌هایی می‌گیرد که وظیفه تأمین آب و برق مورد نیاز صنایع را ندارد! به عبارت دیگر تأسیس نیروگاه و تأمین آب صنایع از حالت طرح پیشنهادی برای صنایع بزرگ به یک الزام برای تأسیس صنایع تبدیل شد و عملا دولت از زیر بار تأمین زیرساخت‌های آب و برق صنایع شانه خالی کرد.

اتفاقی که به گفته صاحبان صنایع موجب شده است هزینه تولید برای کارخانجات بیشتر و بیشتر شود و تولیدکنندگان خرد و متوسط که توان راه‌اندازی چنین زیرساخت‌هایی را ندارند، از گردونه رقابت خارج شوند. حالا ماجرای شانه خالی‌کردن دولت از تأمین آب و برق به ادارات و خانه‌های مسکونی شهروندان رسیده است. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، اردیبهشت امسال بدون تعارف گفت: «در تابستان به ادارات برق داده نخواهد شد، مگر اینکه از پنل خورشیدی استفاده کنند». حالا هم نوبت مردم و مصرف‌کنندگان خانگی است که بشنوند: «پشت‌بام خانه‌تان را نیروگاه کنید تا برق‌تان را روشن نگه دارید». وزیر نیرو رسما از مردم خواسته که با سامانه‌های خورشیدی پشت‌بامی پنج‌کیلوواتی برق مصرفی خود را به‌صورت مستقل تأمین کنند و حالا دولت به مردم اعلام کرده است که برای تأمین آب مورد نیاز منازل مسکونی خود از پمپ و مخازن ذخیره آب استفاده کنند. اتفاقی که می‌تواند دسترسی شهروندان فقیر را به آب بهداشتی و برق محدود کند و به نابرابری دامن بزند. این در حالی است که براساس اصل سوم قانون اساسی، تأمین امکانات برای رفاه مردم و توسعه صنعت بر دوش دولت است. همچنین قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها مصوب سال ۱۴۰۲ هم تصریح می‌کند که طرح‌های زیربنایی انرژی، آب، راه، بندر و فاضلاب باید با حمایت و تأمین مالی دولت اجرا شوند. قانون سازمان برق ایران مصوب ۱۳۴۶ نیز مسئولیت کامل طراحی، توسعه و توزیع برق را به وزارت نیرو سپرده است. حتی قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، ازجمله برنامه هفتم نیز اجرای پروژه‌های زیرساختی را وظیفه مستقیم دولت می‌دانند. در قانون مدیریت خدمات کشوری و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نیز دولت عملا ملزم به توسعه خدمات پایه و زیرساختی شده است. جعفر خیرخواهان، کارشناس توسعه، معتقد است که اکنون با چیزی مواجه هستیم که به آن دولت «ازکارافتاده» می‌گویند؛ دولتی که در ۱۰ سال گذشته، اقتصاد را کم‌جان و ضعیف‌تر کرده و ذخایر و اندوخته‌هایی را که گرد آمده بود هم از بین برده است، بدون آنکه جایگزینی برای آن در نظر بگیرد.

این اقتصاددان توضیح می‌دهد که «به نوعی، دولت به مرحله‌ای رسیده که برخی آن را «دولت شکست‌خورده» یا «دولت ازکارافتاده» می‌نامند. این به آن معناست که دولت دیگر قادر به انجام کاری نیست، اما همچنان ساختار آن پابرجاست. در این حالت همان تعداد کارکنان دولتی که قبلا فعالیت‌های مفید انجام می‌دادند، اکنون بلااستفاده مانده‌اند، اما باید همچنان هزینه معاش و جیره آنان را تأمین کرد. همچنین دولت دیگر منابع و امکاناتی ندارد تا برای توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی، فعالیت‌های توسعه‌ای، عمرانی و اجتماعی اختصاص دهد. این کارشناس تأکید می‌کند که وضعیت دولت شکست‌خورده در کشورهایی مانند عراق و افغانستان یا در کشورهای آفریقایی همچون سودان یا سومالی رخ داده است و شهروندان این کشورها به جایی رسیده‌اند که دیگر نمی‌توانند انتظار دریافت خدمات اولیه را به شکل متعارف داشته باشند.

تبعات رویگردانی دولت از تأمین زیرساخت‌ها

به گفته خیرخواهان، طبق تجربه‌های جهانی در چنین شرایطی گروه‌های مختلفی با هزینه‌های سرسام‌آور شکل می‌گیرند تا به جای دولت این خدمات و نیازهای گوناگون را تأمین کنند. در نتیجه مثلا فرد مجبور می‌شود به جای استفاده از برق سراسری، با قیمت بسیار بالاتر، موتور برق تهیه کند که هر کیلووات آن چندین برابر برق شبکه سراسری هزینه دارد، توان و کیفیت لازم را هم ندارد و آلودگی ایجاد می‌کند. یا در بخش آب، وقتی نظام تنظیم‌گری برای استفاده صحیح از منابع آبی وجود نداشته باشد، منابع کمیاب و گران‌قیمت آب صرف فعالیت‌های بسیار کم‌بازده و بی‌فایده می‌شود، در حالی که بخش‌هایی که واقعا به آب نیاز دارند، باید با زحمت فراوان و هزینه‌های بسیار سنگین آن را تأمین کنند. این مسئله مستقیما بر قیمت کالاهای تولیدی هم تأثیر گذاشته و باعث افزایش قیمت آنها برای مصرف‌کننده می‌شود. پس در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان انتظار رشد اقتصادی داشت و کشور درجا می‌زند و تولیدکنندگان و افرادی که با برنامه، انگیزه و امید قصد داشتند کارهای بزرگ انجام دهند، آن‌قدر با مصائب و شوک‌های ناگهانی روبه‌رو می‌شوند که نهایت تلاش‌شان صرف حفظ وضعیت موجود و جلوگیری از کوچک‌ترشدن فعالیت‌شان می‌شود».

از نگاه این کارشناس، در کنار آب و برق، یکی دیگر از مواردی که دولت آن را به بحران تبدیل کرده، موضوع بنزین است. او می‌گوید: «دولتی که با شعار عدالت و شعارهای مشابه بر سر کار آمده، دلارهایی را که باید صرف حوزه‌هایی ده‌ها برابر مهم‌تر از واردات بنزین می‌شد، صرف واردات سوخت کرده است. اگر آمار درست باشد، حدود چهار میلیارد دلار صرف بنزینی می‌شود که با احتساب هزینه حمل‌ونقل و توزیع، حدود ۵۰ هزار تومان به ازای هر لیتر تمام می‌شود، اما به قیمت هزارو ۵۰۰ تومان عرضه می‌شود. در حالی که بهینه‌ترین حالت این بود که دولت اعلام کند دیگر امکان عرضه بنزین یارانه‌ای ندارد و این حوزه را به بخش خصوصی واگذار کند».

نتیجه زیان‌بار مداخلات دولت در اقتصاد

هاشم اورعی، کارشناس انرژی نیز توضیح می‌دهد: تأمین بسیاری از زیرساخت‌ها از روز اول در دست بخش خصوصی بوده، اما دولت با اصرار این زیرساخت‌ها را گرفته تا منافع مالی خودش را تأمین کند. برای مثال، برق وقتی وارد ایران شد، خصوصی بود، سپس دولت وقت این بخش را در دست گرفت. پس امروز به انتخاب دولت، تأمین آب و برق جزء وظایف دولت محسوب می‌شود، چون شرکت‌های تأمین آب و برق دولتی هستند. مهم‌ترین دلیل این معضل، همین دولتی‌بودن این شرکت‌هاست. دولت نیز اصرار کامل دارد که این شرکت‌ها همچنان دولتی بمانند. او ادامه می‌دهد: «حال، دولت می‌خواهد این شرکت‌ها را حفظ کند، اما از طرفی قرارداد بسته و بابت حق انشعاب برق و آب از کارخانه‌ها و مردم پول گرفته است. برای مثال، به یک کارخانه گفته باید صد میلیون تومان مثلا برای ظرفیت ۵۰۰ کیلووات بپردازد و این را به حالت قرارداد درآورده است. بعد از آن، دولت اعلام کرده که در آن منطقه پست برق یا ترانس ندارد. سپس با هزینه همان کارخانه یا فرد، تجهیزات را خریده و نصب کرده است. حتی کابل و ترانس را چهار برابر ظرفیتی که برای آن کارخانه در نظر گرفته بوده، تهیه کرده تا به بقیه هم بفروشد. یعنی هم بابت قرارداد انشعاب پول گرفته، هم بابت توسعه شبکه پول دریافت کرده و متعهد شده که برق تأمین کند. در عین حال، خودش اصرار دارد این بخش در اختیار او باشد. حال چطور می‌توان انتظار داشت که وقتی تعهد داده و امضا کرده، به این تعهد عمل نکند؟ او می‌گوید: «کار به جایی رسیده که دولت نه وظایف خود را انجام می‌دهد و نه به تعهدات خود عمل می‌کند. حتی تولیدکنندگان را دفترخانه می‌برد و امضا می‌گیرد که طرف مقابل برق یا آب از او مطالبه نکند. وقتی برق بخش مولد اقتصاد -به‌طور مشخص صنعت- را قطع می‌کنیم، ضربه سنگینی به اقتصاد ملی وارد می‌شود. سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی حدود ۸.۳ درصد است و چندان نگران آن نیستم، اما سهم صنعت مهم است. اکنون در برخی مناطق، برق صنعت را سه روز در هفته قطع می‌کنند. این کار باعث کوچک‌شدن اقتصاد و منفی‌شدن رشد اقتصادی می‌شود و مردم فقیرتر خواهند شد. مشکل بزرگ‌تر، آینده است. ما آینده کشور را تباه می‌کنیم. در برنامه توسعه هفتم، هدف رشد اقتصادی هشت درصد و سهم بخش صنعت ۸.۵ درصد تعیین شده است، اما وقتی حتی برق نداریم و برای گرفتن مجوز برق به صنایع پاسخ منفی داده می‌شود، چگونه می‌توانیم به این اهداف برسیم؟». همچنین به باور اورعی بخش خصوصی به معنای واقعی کلمه، اصلا توان تأمین برق و گاز خود را ندارد و پیش از آنکه چنین کاری انجام دهد، ورشکسته می‌شود. کسانی که ادعا می‌کنند از طرق مختلف امکان تأمین آب و برق و زیرساخت‌های خود را دارند، اصولا خصوصی نیستند؛ خصولتی هستند و حالا هم اگر بخواهند این کارها را انجام دهند، تبعاتی مانند سدسازی خواهد داشت که نتیجه آن، خشک‌شدن دریاچه ارومیه است. این کارشناس تأکید دارد که لازم است تأمین زیرساخت‌ها به‌عنوان «امور ملی» دیده شوند؛ چراکه پیوست‌های زیست‌محیطی آنها بسیار جدی و حیاتی است.

او می‌گوید: «حتی موضوع انتقال آب از خلیج فارس به اصفهان و سپس مشهد برای تأمین آب صنایع هم از نظر ردپای زیست‌محیطی و هم از نظر اقتصادی، کاملا غیرمنطقی و غیرکارشناسی است. گذشته از اینکه این کار مغایر با قوانین و قراردادهای موجود است».

بازتاب

پاسخ شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار به گزارش «شرق»

شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه در واکنش به گزارش «شرق» با تیتر «پاداش میلیونی از جیب سهامداران» در صفحه چهار روز یکشنبه ۲۰ مردادماه جاری، پاسخی را ارسال کرده است که در ادامه می‌خوانید: متأسفانه مطالب مندرج در این گزارش ناشی از مقدماتی غلط و برداشت‌های شتاب‌زده، استدلال‌های غیرمستند و غیرعلمی و فقدان دقت کافی در بررسی متقن صورت‌های مالی این شرکت و قوانین و مقررات حاکم بوده که در نهایت منجر به ارائه اطلاعاتی ناصواب و خلاف واقع شده است؛ توضیح بیشتر آنکه:

۱- شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه، وفق بند (۷) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار که به‌عنوان «امین بازار سرمایه» شناخته می‌شود، براساس مقررات و مصوبات شورای عالی بورس و اوراق بهادار به‌عنوان نهاد قانون‌گذار در زمینه سهام عدالت، ازجمله بند (۴) مصوبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۲، وظیفه خطیر و ملی توزیع سود سهام عدالت پس از تجمیع مبالغ دریافتی از سوی شرکت‌های ناشر را بر عهده دارد که این مهم در طول ادوار گذشته همواره در هماهنگی کامل با سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان نهاد ناظر بازار سرمایه و در انطباق کامل با مصوبات شورای عالی بورس و اوراق بهادار به نحو موفقیت‌آمیز و مطلوب انجام شده است.

۲- ذکر این مطلب مهم ضرورت دارد که از ابتدای واگذاری این مسئولیت، شرکت سپرده‌گذاری مرکزی با ایجاد حساب‌های بانکی مجزا و رعایت کامل اصول حسابداری و امانت‌داری لازم نسبت به نگهداری وجوه سهامداران عدالت اقدام نموده است. این رویکرد با هدف صیانت حداکثری از منافع و حقوق سهامداران عدالت اتخاذ گردیده و منافع حاصل نیز به شیوه‌ای متقن و مستحکم مدیریت شده است. در همین راستا و در تعامل مستمر با سازمان بورس و اوراق بهادار، بند (۱) ماده‌واحده مصوبه مربوط به «سود سهام عدالت» که بر لزوم توزیع منافع حاصله به نفع سهامداران عدالت تأکید دارد، با پیگیری‌های مستمر این شرکت در تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۳ به جهت تعیین تکلیف نهایی درخصوص منافع متعلق به سود سهام عدالت به تصویب شورای عالی بورس و اوراق بهادار رسید و برای اولین بار در اسفندماه سال گذشته مبلغ سود سهام عدالت مشمولین به همراه منافع حاصله به حساب‌های بانکی ایشان واریز شد.

۳- با این وجود، نویسنده محترم، بدون بررسی و توجه لازم به تفکیک اساسی میان سرفصل‌های مالی مرتبط با سهام عدالت و سایر وجوه مشمول بند «ش» تبصره (۱) قانون برنامه و بودجه سال ۱۴۰۴، مفاد این ماده را به‌گونه‌ای نادرست به وجوه سهام عدالت تسری داده در حالی که کاملا واضح و مبرهن است که این حکم صرفا ناظر بر وجوه ناشی از معاملات روزانه بازار سرمایه و واریزی‌های اتاق پایاپای بوده و از حیث ماهیت و مبنا، کاملا مستقل از موضوع وجوه ناشی از سود سهام عدالت است.

ادامه در صفحه ۵

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای «شماره ۰۲۵ / ۱ – ۱۴۰۴»

شرکت توزیع نیروی برق استان هرمزگان

شرکت سهامی برق منطقه ای هرمزگان در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای، نسبت به انجام "تامین تجهیزات و عملیات اجرایی کابل کشی خط ۶۳ کیلوولت دومداره دریا - نایبند" اقدام نماید.
لذا از متقاضیان شرکت در این مناقصه دعوت بعمل می آید، جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۲۶ / ۰۵ / ۱۴۰۴ لغایت ۰۴ / ۰۶ / ۱۴۰۴ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه و نسبت به واریز مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال بصورت الکترونیکی به شماره حساب ۴۰۰۱۱۰۳۱۰۴۰۲۵۱۸۷ بنام تمرکز وجوه درآمد حق انشعاب و سایر درآمدهای شرکت سهامی برق منطقه ای هرمزگان اقدام و یک نسخه از اسناد مناقصه را دریافت نمایند.
با توجه به اینکه کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار می گردد، لازم است در صورت عدم عضویت قبلی شرکتها در سامانه فوق مراحل ثبت نام در سایت مذکور انجام و نسبت به دریافت گواهی امضا الکترونیکی اقدام نمایند. شرکت کنندگان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۳۳۱۳۸۶۱ - ۳۳۳۱۳۷۷۶ - ۰۷۶ داخلی ۲۱۰۹ و در خصوص سامانه با داخلی ۳۰۰۰ تماس حاصل فرمایند. ثبت شماره تلفن، فکس و ایمیل از سوی شرکت کنندگان در سامانه الزامی می باشد. ضمناً خریداران اسناد بایستی فیزیک پاکت "الف" خود را در روز برگزاری مناقصه به دبیرخانه این شرکت ارائه نمایند.

الزامات :
۱- ارائه مستندات قراردادی انجام دو کار مشابه با موضوع عملیات کابل کشی خطوط فوق توزیع یا انتقال به همراه ارائه رضایتمندی از کارفرمای مربوطه طی پنج سال اخیر
۲- ارائه گواهینامه معتبر پیمانکاری با حداقل رتبه ۴ نیرو از سازمان برنامه و بودجه کشور و دارا بودن ظرفیت آزاد

توضیحات:
۱- مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار ۳۵۷ / ۵۰۸ / ۹۴۸ / ۲۱ ریال ، به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی و یا واریز نقدی.
۲- دستگاه نظارت: معاونت طرح و توسعه شرکت سهامی برق منطقه ای هرمزگان می باشد و شرکتهای متقاضی می توانند در خصوص سئوالات فنی در ساعات اداری با شماره همراه ۰۹۱۷۱۹۰۷۴۹۱ آقای مهندس رحیمی تماس حاصل فرمایند.
۳- مشاور پروژه : شرکت مهندسین دانشمند - شرکت های متقاضی می توانند در خصوص سوالات فنی خود با شماره ۳۶۶۴۳۴۲۴ - ۳۱ داخلی ۱۵۷ آقای مهندس بهفرنیا و داخلی ۱۶۱ خانم مهندس بهرامی تماس حاصل فرمایند.
۴- پیش پرداخت: طبق آیین نامه تضمین معاملات دولتی و در قبال ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر قابل پرداخت خواهد بود.
۵- مدت انجام کار: ۸ ماه شمسی
۶- حداکثر مهلت تحویل اسناد به دبیرخانه اینشرکت تا ساعت ۸ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۸ / ۰۶ / ۱۴۰۴ و زمان بازگشایی پاکات راس ساعت ۹ صبح همان روز در دفتر امور تدارکات و قراردادهای این شرکت می باشد.
۷- به پیشنهادات مشروط، مبهم، مخدوش و فاقد سپرده و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر به دبیرخانه این شرکت ارسال گردد مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۸- آگهی ما در سایت سامانه (www.setadiran.ir)بخش "ثبت نام / پروفایل تامین کننده/مناقصه گر" قابل مشاهده میباشد.
شناسه آگهی : ۱۹۸۱۰۱۵

روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه ای هرمزگان
۳۰۸۷